

ندای اصفهان

درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی - احکام نماز مسافر

کدخبر: 133624

30 اسفند 1399 در ساعت 6:32 ب.ظ

ندای اصفهان - حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (حفظه الله) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ سه شنبه ۲۱/۱۱/۹۹ به نظر طلاب و علاقه مندان می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة - فصل فی الصلاة المسافر - احکام نماز مسافر - شرط چهارم قصر نماز - مسئله ۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم.

قصد در شرایط صدق سفر بود. شرط چهارم این است که شخص مسافر در اولی که می خواهد سفر بکند یا در اثناء سفر نیتش این نباشد که ده روز در یک مکانی آن هم قبل از بلوغ ثمانیه الفراسخ بماند و همچنین قصدش این نباشد که مرور بر وطنش بکند قبل از این که به هشت فرسخ برسد، آن وقت مسافر می شود.

و الا اگر قصدش از اولی که از وطن خارج می شود یا در اثنا این است که در هفت فرسخی ده روز یا بیشتر بماند یا در هفت فرسخی مرور بر وطنش بکند این اقامت یا وصول به وطن قاطع سفر او می شود، با این تفاوت که اقامت قاطع حکم سفر است و وصول به وطن در هفت فرسخی قاطع نفس سفر است. بنابراین اگر قصدش این است که در هفت فرسخی اقامت بکند حالا چه از حین شروع یا بعد از این که شروع در سفر کرد، این دیگر قصد مسافت ندارد پس نمازش کامل است و همین طور باز تمام می خواند اگر شخص وقتی از وطنش خارج می شود متردد باشد که آیا ده روز در همان محل مقصد که مثال ما هفت فرسخی بود، بماند. در هفت فرسخی آیا اقامت ده روز بکند؟ اگر متردد بود باز نمازش کامل است. یا قصدش مرور بر وطن بود یا متردد بود فرقی نمی کند، آن هم که متردد باشد که آیا در هفت فرسخی مرور بر وطن بکند یا نه؟ باز مانع قصد سفر می شود.

البته گاهی نه قصد اقامت و مرور دارد و نه متردد در قصد اقامه و مرور هست، ولیکن در کنج ذهنش احتمال می دهد که یک روز در هفت فرسخی بماند و یا در هفت فرسخی مرور به وطن بکند و از مسیری پرود که مرور بکند. اگر متردد نیست اما احتمال ضعیف می دهد این احتمال منافات با تصمیم او بر مسافت ندارد، لذا مسافر است و نمازش را شکسته می خواند. می فرمایند نظیر کسی که تصمیم بر مسافرت دارد ولیکن در اثناء راه به یک مانعی برخورد کرد، دزدی یا دشمنی جلوی را

گرفت یا بیمار شد و برگشت. آن هم همین است این که قصد مسافت داشته دیگر مسافرت برایش محقق شده و این که افراد احتمال می دهند که در اثنا سفر مانعی ایجاد شود ضرر به تصمیم در سفر نمی زند.

در شرط چهارم نکات فراوانی هست که پنج مطلب را در آن عرض می کنم:

نکته اول اینکه اصل این مسأله اجماعی است و قطعاً همه همین را می گویند که نباید قبل از هشت فرسخ نیت بکند که ده روز بماند یا مرور بر وطن بکند، اگر این باشد قطع سفر می شود. لکن این اجماعی که گفتیم اجماع مدرکی است بنابراین اجماع در اینجا به عنوان دلیل استناد نمی شود. ولیکن مؤید هست از این جهت که بدانیم مسئله اختلافی نیست و لذا همه همین را دارند روایتش را پذیرفته اند.

روایت ۳ باب ۳ از ابواب صلاه مسافر جلد پنجم صفحه ۴۹۹ صحیح زراره عن ابی جعفر (ع) «مَنْ قَدَّمَ قَبْلَ التَّوْبَةِ بِعَشْرَةِ أَيَّامٍ...» یوم التَّوْبَةِ هَاشِمِ ذِي الْحِجَّةِ را می گویند که در عرفات برای روز نهم آب می بردند که آن جا آب باشد و بسیاری می فروختند و یک نوع کسبی برایشان بود. می فرماید کسی که قبل از توبه یعنی در ماه ذی قعدة ده روز زودتر از بقیه رفته و در مکه مانده مسافر است ولیکن چون ده روز در مکه مانده «وَجَبَ عَلَيْهِ إِمْتَامُ الصَّلَاةِ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ مَكَّةَ» تا این جا روایت مطابق با همان اجماعی است که گفتیم که آقا قصد داشته که ده روز این جا بماند و این سفرش را قطع می کند.

این به منزله اهل مکه است، وقتی به منزله اهل مکه شد باید ببینیم که چطوری دوباره صدق سفر می شود. عبارت مقداری نیاز به توضیح دارد یا باید از مابقی حدیث اعراض بکنیم. شخصی که مثلاً از ایران به مکه رفته و ده روز قبل از توبه آن جا بوده است نمازش کامل است. روایت می گوید وقتی که به سمت منا می رود واجب است که نمازش را شکسته بخواند. این عبارت یک ایراد جزئی دارد. ایرادش این است که از مکه تا منا مسافت نیست و فاصله خیلی زیادی نرفته لذا بعد از ده روز اگر نیتش این باشد که برود منا بماند، نمازش آن جا باید کامل باشد.

لیکن جواب می دهیم می گوئیم این خروج به منا به معنای مقدمه ای برای رفتن به عرفات است چون این شخص تا منا مثلاً پنج کیلومتر راه است ولیکن اگر منا مقدمه کارش باشد یعنی از مکه به منا می آید اما قصدش منا نیست، قصدش اعمال حج است که باید از منا رد بشود و به عرفات برود که چهار فرسخی مکه در قدیم بوده است اما حالا نه، الان باز کمتر شده است. لذا باید حدیث را این طوری معنا بکنیم که این شخصی که ده روز در مکه مانده نمازش کامل است. وقتی نیت می کند که به عرفات برود منتها به منا می آید، پس قصدش مسافت است، بعد از آن وقتی که برمی گردد از عرفات به مشعر و بعد منا می آید و مجدداً به مکه برمی گردد، وقتی به مکه می آید مسافر است اگر دوباره قصد اقامت بکند باید نمازش را کامل بخواند اما اگر قصد اقامه نداشته باشد و دو روز در مکه می خواهد بماند و می خواهد به ایران برگردد او باید نمازش را در مکه شکسته بخواند.

البته می گوئیم این برای زمان قدیم است و برای الان نیست. قدیم بوده که مثلاً خانه های مکه ۲۵ کیلومتر فاصله داشته و محدود بوده و ۲۵ کیلومتر فاصله تا عرفات داشته است. چنین کسی را داریم می گوئیم نه زمان فعلی را.

در آن زمان وقتی شخص برای عرفات می آید نمازش را شکسته می خواند و بعد می گویند که مسافر است و به مشعر و منا می آید و دوباره به مکه برمی گردد و مسافر است. درحالی که روایت دارد «فَإِذَا زَارَ الْبَيْتَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ» این جا است که می گوئیم این خلاف مشهور و خلاف اجماع است.

می‌فرماید «اتَمَّ الصَّلَاةُ وعلیه اتمام الصلاة، اذا رجع الی منی حتی ینفر». بعد می‌گویند اگر دوباره از مکه به منا برگشت این‌جا قصدش رفتن به عرفات نیست و به منا برای بیتوته شب یازدهم و دوازدهم می‌آید. این‌جا می‌فرمایند وقتی که در منا می‌آید ۶-۵ کیلومتر آمده است اما می‌فرمایند چون مکه نمازش کامل است وقتی به منا می‌آید باز باید نماز را تمام بخواند تا کوچ بکند و به چهار فرسخ نیت بکند.

این قسمت آخر حدیث ایراد دارد؛ این که در روایت فرمود «بمنزلہ اهل مکه» معنایش این است که «حکمہ حکم اهل المکه» توضیح هم دادیم که وقتی خارج از منا می‌شود فرمود تقصیر واجب است اما قصدش مسافت است و گفتیم مسافت الی العرفات است. منظور همان اول اعمال حج است که می‌خواهد به عرفات برود منتها از مسیر منا می‌رود و الا اگر قصد مسافت نداشته باشد و از مکه بخواند به منا بیاید این مشکل است و بعد از ده روز هم هست و باید تمام بخواند.

در ادامه حدیث داشت که زمانی که می‌آید و بیت را زیارت می‌کند باید چه کار بکند؟ ما می‌گوییم وقتی به بیت می‌آید از عرفات می‌آید مکه باید نمازش را شکسته بخواند، اما ظاهر حدیث این بود که تمام بخواند. اصحاب از این حکم اخیر اعراض کردند. اگر مکه وطنش بود همین‌طور است، آن کسی که مکه وطنش است وقتی به مکه می‌آید نمازش را باید تمام بخواند و بعد هم که به منا می‌رود و نمی‌خواهد عرفات برود باز هم نماز را تمام می‌خواند و الا مسافری که از عرفات به مکه می‌آید اگر دوباره اقامه ده روز بکند نمازش کامل است و الا مسافر است. (بازمی‌گویم مسافر در زمان قدیم است و نه فعلی.)

این آخر حدیث که گفت دوباره از مکه رجوع به منا بکند پس تمام بخواند تا حرکت بکند و قصد چهار فرسخ داشته باشد این قرینه است چون اول حدیث را نباید معنا بکنیم که فقط خروج به منا است بلکه باید بگوییم که به منا آمده اما قصدش قصد عرفات است و الا اول حدیث و آخر حدیث با یکدیگر تنافی پیدا می‌کنند.

یکی هم صحیحہ علی بن جعفر است. از امام هفتم (ع) حدیث یک باب ۱۵ همان جلد پنجم صفحه ۵۲۴؛ سؤال این است که فردی در ماه رمضان سفر کرده و بالاخره با ماه رمضان مصادف شده و چند روزی در یک مکانی اقامت می‌کند، آیا می‌تواند به خاطر چند روز روزه بگیرد؟ جواب: بله، اگر نیت بکند که ده روز بماند و الا کمتر از ده روز نه. اگر واقعاً می‌خواهد روزه بگیرد باید ده روز را نیت بکند که بماند آن وقت روزه را می‌گیرد و نمازش هم کامل است. این روایت هم می‌رساند که ده روز قاطع سفر هست.

آن تردیدی که قبلاً هم گفتیم که اگر کسی تردید داشت در این که آیا فردا بروم یا نروم؟ حالا در سفر است رفته و نمی‌داند که آیا این‌جا ده روز یا هشت روز می‌ماند، راجع به این قبلاً گفتیم که تا سی روز اگر کسی تردید داشت نمازش شکسته است و روایات فراوانی هم در این جهت داریم. من یکی را بخوانم و بقیه را نشانی خدمتان عرض می‌کنم.

حدیث ۹ باب ۱۵ از همین ابواب صلاه مسافر صحیحہ زرارہ از امام باقر (ع) است؛ کسی وارد شهری شد و مسافر است، حضرت فرمودند اگر یقین داری که «انَّ لک بها مُقام عشرة اَیام فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ» این را گفتند نماز را باید کامل و تمام بخوانی چون یقین دارد که ده روز می‌ماند و اگر نمی‌دانی و این همان نکته‌ای است که عرض کردم نمی‌دانی که چند روز می‌مانی؟ گاهی می‌گویی فردا برمی‌گردم و گاهی می‌گویی پس فردا برمی‌گردم، اگر تردید داری تا یک ماه شکسته بخوان ولو این که نماز ظهر را روز سی و یکم می‌خوانی و می‌خواهی حرکت بکنی آن را می‌گویند تمام بخوان.

حدیث دقیقی است نظیر این حدیث نهم، پنج روایت دیگر در همین باب ۱۵ داریم. **حدیث ۱۲-۱۳-۱۵-۱۷ و ۲۰** برای این که فرصت گرفته نشود از عزیزان خواهش می‌کنم که خودشان مراجعه کنند که این مسئله باز مسئله‌ای است که روایات در حد استفاضه برای این مسئله هست.

نکته دومی: که ما در بحث سید بزرگوار داریم، فرمودند اگر ده روز نیت بکند قاطع حکم سفر است اما اگر مرور به وطن بکند قاطع خود سفر است. این فرمایش قشنگی است؛ کسی که ده روز می ماند حکم سفر را قطع می کند یعنی چه؟ یعنی این که این شخص ولو در وطن و بلد خودش نیست، ولیکن این جا در این مسافرت به منزله این است که در وطنش است. چرا؟ به خاطر این که این آقا ده روز نیت کرده که بماند پس باید نمازش را تمام بخواند ولو خودش می گوید انا مسافر لکن به او گفته می شود که اگر مسافری چرا ده روز این جا ماندی؟ پس معلوم است که مسافر نیستی. این است که این حکم از او گرفته می شود ولو این که در وطنش نیست.

این را عرض می کنم چون آیه الله العظمی حکیم (رض) به ایشان ایراد دارند و می فرمایند اقامت قاطع خود سفر از نظر شرعی است. به آقای حکیم عرض می کنیم که فرمایش آقای یزدی فرمایش درستی است، و همان حکم سفر درست است از آن جهت که وطنش اینجا نیست. لذا فرمایش آقای یزدی از یک جهت دیگر صحیح است (نه از این جهت که آقای حکیم گفتند) از آن جهتی که اگر به وطنش مرور می کرد بله قاطع سفرش بود و الان که در وطنش نیست و ده روز می ماند آن قاطع حکم سفر است ولو شرعاً جلویش گرفته می شود اما شرع حکم سفر را قطع می کند و شرع نمی گوید که این جا وطنش است.

نکته سوم: اگر مرور بر وطن بکند به منزله همان اقامه ده روز هست و قاطع سفر هست.

نکته چهارم: اگر متردد در نیت اقامت یا مرور قبل از بلوغ ثمانیه بود وقتی متردد است، باید بگوییم که برایش قصد سفر احراز نشده پس نمازش را باید کامل بخواند. کسی شکسته می خواند که قصد سفر را داشته باشد و این آقا می گوید که من متردد هستم.

نکته پنجم: آخر فرمایششان فرمودند «اگر احتمال بدهد...» (احتمال را مقابل نیت اقامه یا تردید در اقامه قرار دادند). ببینید یک وقت صد درصد می گوید من اقامت می کنم یک وقت ۵۰-۵۰ است و مردد است، در این دو صورت نماز کامل است اما یک احتمال می دهد که احتمال ۱۰ یا ۲۰ درصد است. فرمودند این احتمال به قصد مسافت ضرر نمی زند. به ایشان عرض می کنیم این فرمایشتان درست نیست. چرا؟

باید بگوییم احتمال اگر خیلی ضعیف باشد به طوری که عقلاً اعتنا به آن نمی کنند در این صورت فرمایش سید درست است، یعنی عزم بر سفر دارد، همه این هایی که مسافرت می کنند احتمال ۵ درصد را می دهند که ممکن است بیماری پیدا بکنند و برگردند و این به قصد سفر ضرر نمی زند. ولیکن یک احتمال دومی هم می دهیم و آن احتمالی است که ۴۰-۳۰ درصد است، اگر احتمال این چنینی است این یک ضمیمه به آن بحث متردد می شود و در واقع قصد سفر ندارد پس نمازش کامل است.

مسئله ۲۵: اگر در حین شروع سفر یا در اثنای سفر مثلاً ۱۰ کیلومتر رفته بود یک مرتبه قصد اقامت یا مرور بر وطن را کرد، قبل از این که به هشت فرسخ برسد همان هفت فرسخی که مثال زدیم، خلاصه قصد داشت که در هفت فرسخی بماند، این را قبلاً هم گفتیم لکن این جا اضافه می کنم که دوباره از قصد خودش عدول بکند یا حتی در قصد خودش متردد باشد.

یک بحث دیگر هم مثالش این است گاهی در قصد متردد است که آیا از وطنش که می آید ۱۰ روز یک جا بماند یا نه؟ بعد از این تردیدش عدول به جزم پیدا کرد که من ده روز نمی مانم یا مرور نمی کنم. در هر صورت ایشان دو مثال زدند و نیاز نبود. در هر دو صورت می گوییم این مقداری که قطع مسافت کرده این مقدار خراب شد، حالا که این مقدار خراب شد از حالا به بعد که

دوباره نیت کرده که نماند اگر مابقی بعد از عدول به اندازه مسافت باشد یعنی هشت فرسخ یا چهار فرسخ تلفیقی باشد شکسته می‌خواند و الا نه.

سید می‌فرمایند اگر مابقی بعد از عدول مسیر تا مقصد چهار فرسخ است و این آقا عازم بر عود هست چهار فرسخ می‌رود و تصمیم دارد که برگردد ولو برگشتش همان روز نیست، یک روز یا دو روز و تا ۹ روز بعد است. این‌جا باید هم در ذهاب و هم در مقصد و هم در بازگشت و ایاب شکسته بخواند. آخر مساله می‌فرمایند «بَلْ وَكُذَّا» بلکه باز هم شکسته می‌خواند اگر مابقی از عدول کمتر از چهار فرسخ است؛ یعنی مثلاً سه فرسخ می‌رود یا دو فرسخ یا حتی یک فرسخ ولیکن تلفیقی که می‌کند بازگشتش را از یک مسیر دیگر برمی‌گردد که با بازگشت همان هشت فرسخ است. این هم باز می‌گویند شکسته می‌خواند و معتبر نیست که ذهاب تنها چهار فرسخ باشد، بلکه ذهاب اگر کمتر باشد اما تلفیقی ثمانية الفراسخ باشد کافی است.

در اینجا سه مطلب را عرض می‌کنیم؛

نکته اول: این قسمت آخر را ما قبول نداریم و قبلاً هم گفتیم که ایاب و ذهاب به تنهایی اربعة الفراسخ باشد. خلافاً للیزدی که ایشان بارها گفتند که ذهاب لازم نیست، ما گفتیم چرا ذهاب باید حداقل چهار فرسخ باشد و ظاهر روایت هم همین بود، دلیل ما این بود که بُعد از وطن یا بُعد از مبدائی که قصد می‌کند، شرط است. این آخر مساله بود.

نکته دوم: آیت‌الله العظمی حکیم می‌گویند اولی این است که در مسئله ۲۵ کلمه «او فی اثنا» را حذف کنیم. چرا؟ چون فی اثنا داخل در مسئله آتیه یعنی مسئله ۲۶ است. به آقای حکیم عرض می‌کنیم که چنین نیست؛ مسئله ۲۵ داخل در مسئله ۲۶ نیست و صحیح همان چیزی است که آقای یزدی گفتند چون قصد اقامت یا مرور بر وطن قبل از هشت فرسخ گاهی این قصد از اول سفر یا در اثناء سفر است و هر دو مفید قطع سفر است، چه حالا از اول باشد و چه ۱۰ کیلومتر رفته باشد و بعد نیت بکند آن هم بالاخره سفر را قطع می‌کند.

مسئله ۲۶ که ان‌شاءالله بعداً می‌خوانیم مربوط به وجود تخیل و تخیل است که وسطش یک تکه قصد اقامه کرده بوده و بعد پنج کیلومتر هم در همان قصد راه رفته بود. آن وقت می‌خواهیم ببینیم که همان قبلی‌ها که نیت سفر داشته با بعدی آیا این‌ها ضمیمه هم می‌شود یا نه؟

نکته سوم: هم اصل دلیل مسئله است که اگر از این دو نکته عدول کرد که یکی ۱۰ روز ماندن و یکی هم مرور از وطن بود، اگر عدول کرد می‌گوییم آن مقداری که از طریق قطع کرده است و نیت نکرده بود آن‌ها را کالعدم می‌گوییم، آن هیچی دیگر. نتیجه آن است که حالا مابقی اگر مسافت باشد (ولو تلفیقاً) این را شکسته می‌خواند و الا نه.

من ایام‌الله بهمن را تبریک عرض می‌کنم و این روز تاریخی برای ملت ایران بعد از ۱۴ قرن که از اسلام گذشته بود، آن حکومت الهی که مورد نظر پروردگار هست که حاکم باید خدا یا حجت او یا منصوب از جانب او باشد، برای اولین بار در ایران اسلامی ما محقق شد.

آیه ۵ سوره ابراهیم نجات از طاغوت را جزء ایام‌الله می‌داند که مربوط به حضرت موسی علیه السلام است وقتی از رود نیل با اصحابش خارج شد و از دست فرعون نجات پیدا کرد، اما فرعون و طاغوتیان اطرافش همه غرق شدند. می‌گویند نجات ایران اسلامی هم همین‌طور است و این روز جزء ایام‌الله محسوب می‌شود که حضرت امام مطرح کردند.



تبریک خدمتتان عرض می‌کنم و الطافی که پروردگار در آن روزها داشت به خصوص ۲۱ بهمن که ما همیشه یاد لطف پروردگار و امام‌زمان (عج) هستیم که روز بیست و یکم که بختیار مخفیانه تصمیم گرفته بود که همه انقلابیون و رهبران نهضت را دستگیر و اعدام بکند؛ گفتند راهش این است که حکومت نظامی اعلام بکنیم که در خیابان‌ها کسی نیاید و به راحتی بتوانیم افراد را دستگیر بکنیم اما لطف امام زمان این بود که اشاره کردند و به دل حضرت امام (ره) افتاد و امام خمینی گفته بود که به مردم بگویید که در خیابان‌ها بریزید و با ریختن مردم در خیابان نقشه بختیار از بین رفت و انقلاب به پیروزی رسید.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: جواد جلوانی، درس خارج فقه، سید ابوالحسن مهدوی، مدرسه علمیه صدر بازار، نماز مسافر

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.